

### نظر اسلام در باره ازدواج

بهترین راه قضاوت در ادیان مختلف و نمودهای فکر بشری ، بررسی قوانین و دستورات آنها و رسیدگی باینکه ادیان و افکار بشر تا چه حدودی مطابق فطرت و تقاضای آن می باشد و چه مقدار باحتیاجات گوناگون فردی و اجتماعی جامعه های انسانی ، پاسخ مثبت داده ، قابل عمل و پیاده شدن در خارج می باشد .

یک سیر اجمالی در قوانین آیین اسلام بخصوص در قوانین اجتماعی آن و مقایسه آن با سایر ادیان موجود و نمودهای فکر بشر از مراحل ابتدائی تا مراحل کنونی بخوبی ثابت می کند که مکتب حقوقی اسلام بهترین مکتبی است که می تواند دنیا را بهتر اداره کند و باحتیاجات طبیعی انسانها پاسخ صحیح بدهد از جمله قوانین مترقی اسلام که نظیر آن بطور تحقیق در هیچ یک از ادیان و سایر مکتب های حقوقی دنیا دیده نمیشود ، مسائل مربوط با ازدواج و تشکیل خانواده است .

در دو شماره قبل ، از وضع نابسامان ازدواج در عصر کنونی و خطری که از ناحیه عدم علاقه جوانان به تشکیل خانواده ، جامعه ها را تهدید می کند ، سخنی بمیان آوردیم ، اینک لازمت نظر اسلام را راجع با ازدواج در شرائط و حالات مختلف زندگی انسان ذکر و سپس نظر کلیسا و روش کشیشان مسیحی و بالاخره دنیای مسیحیت را که درست در نقطه مقابل نظر واقع بینانه اسلام قرار دارد بیان کنیم :

اسلام در تشکیل خانواده پیاکی و دین داری و پرهیز کاری و سایر صفات نیک انسانی زن و مرد و خانواده آنها توجه بیشتری مبذول داشته و بسایر صفات از قبیل ثروتمند بودن دختر و پسر و زیبایی آنها و ... نظر خاصی نینداخته است .

از اینرو احادیثی در کتب معتبر حدیث وارد است که اگر دختری زیبا بوده اما فاقد کمالات نفسانی و فضائل اخلاقی و دینی باشد ، اسلام تشکیل خانواده را با چنین دختری شایسته نمی داند ! بطور کلی چند دسته روایات معتبر از پیشوایان مذهبی اسلام در کتب معتبر نقل شده است که دقت در آنها نظر اسلام را راجع بمسأله ازدواج روشن می سازد ، همه این روایات با وجود اختلاف

در تعبیر يك هدف عالی را دنبال می کنند و آن ترغیب مردم بازدواج و تشکیل خانواده است:  
 ۱- دسته ای از روایات ازدواج را یکی از ارکان دین معرفی می کند چنانکه از امام باقر (ع) نقل شده: « ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله عزوجل من التزویج (۱) »  
 یعنی: «هیچ اساس و بنیانی در اسلام فزده خداوند محبوبتر از اساس زناشویی نیست».

آری این جمله امام (ع) به تنهایی کافیهست که اهمیت زناشویی و تشکیل خانواده را که هسته اصلی اجتماع بزرگ بشمار میرود ثابت کند.

۲- دسته ای دیگر از روایات صحیح تشکیل خانواده را سنت پنجم دانسته و بقاء نسل و تربیت فرزندان صالح را که در واقع هدف نهایی ازدواج می باشد، از جمله مواردی می داند که پیغمبر بآن فخر و مباهات کرده است.

علی (ع) می فرماید: «ازدواج کنید زیرا ازدواج سنت رسول اکرم (ص) است چنانکه خود آنحضرت می فرمود: هر کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند، ازدواج کرده خانواده تشکیل دهد زیرا یکی از سنت های من تشکیل خانواده است، ازدواج کنید تا جمعیت شما زیاد شود زیرا من در روز قیامت بزیادی جمعیت مسلمانها در میان امت های دیگر غیر اسلامی مباهات می کنم» (۲)

در بعضی دیگر از روایات هدف اصلی ازدواج را چنین بیان می کند: « امام باقر از رسول اکرم (ص) نقل می کند: هیچ عاملی نباید افراد با ایمان را از ازدواج منع کند تا شاید خداوند در نتیجه ازدواج فرزندی بوی عطا کند که عبادت خدا را بجای آورد» (۳).

۳- یکسلسله از روایات از پیشوایان اسلام وارد است که زناشویی را بعنوان حافظ دین معرفی می کند که با اشباع معتدل قوای جنسی، خطرات و زیانهای فردی و اجتماعی را که از ناحیه طغیان نیروی جنسی ممکن است متوجه فرد و جامعه شود، برطرف می سازد.

رسول اکرم (ص) فرمود: «من تزوج احرز نصف دینه» (۴) یعنی کسیکه ازدواج کند نصف دین خود را حفظ کرده است.

(۱) وسائل الشیعه ج ۱۴ باب اول حدیث ۴

(۲) وسائل الشیعه ج ۱۴ باب ۱ حدیث ۶

(۳) وسائل الشیعه ج ۱۴ باب ۱ حدیث ۳

(۴) وسائل الشیعه ج ۱۴ باب ۱ حدیث ۱۱





با ازدواج موافقت می کرد که بقول خودش: «ازدواج بهتر از سوزانیدن است». این روحانی بزرگ که خود یکی از ارکان بزرگ کلیسا است هرگز زن نگرفت، روش مخالف وی نسبت با ازدواج و روابط جنسی اثر عمیقی در رفتار و طرف فکر کلیسا در آینده نسبت با این مسائل بخشید و مرور زمان با اشاعه ریاضت در میان مسیحیان بیش از پیش تقویت گردید بطوریکه تجرد بمنزله کار مطلوبی تلقی شد و ازدواج بمنزله کار مکروهی نمایان گردید.

رهبران فعلی جهان مسیحیت نیز سنت نادرست کشیشان گذشته را کار مطلوبی تلقی کرده و جداً از روش آنها پیروی می کنند چنانکه اخیراً کنگره بزرگی از رهبران کاتولیک ها در واتیکان تشکیل گردید و در آن مسأله آزادی ازدواج و عواقب وخیم سخت گیری بيمورد کلیسا راجع بمسأله ازدواج مورد مذاکره قرار گرفت ولی متأسفانه بعد از مذاکرات مفصل تصویب کردند که مسأله ازدواج مثل سابق امری مکروه بوده و کلیسا نمیتواند در این مسأله گذشته داشته باشد!

بدیهی است این طرز تفکر نادرست کلیسا نسبت با ازدواج دانسته و ندانسته در اشاعه فحشاء و مفساد ناشی از طغیان غریزه جنسی در دنیای مسیحیت چه اندازه مؤثر است؟! زیرا غریزه جنسی مثل سایر احتیاجات زندگی باید جریان پیدا کند و چنانچه در مسیر طبیعی آن موانعی ایجاد شود و بحد طبیعی اشباع نشود بصورت انحرافات جنسی که منشأ بسیاری از مفساد و فحشاء می باشد ظاهر می گردد و بدین ترتیب ارباب کلیسا مسئول قسمتی از انحرافات جنسی و در نتیجه بسیاری از بدبختی های اجتماعی دنیای مسیحیت می باشند.

از اینرو عده زیادی از دانشمندان جامعه شناس مسیحی نیز از روش مخالفت کشیشان کاتولیک با ازدواج و عواقب وخیم و ناپسند آن برای دنیای مسیحیت انتقاد کرده و اظهار نگرانی نموده اند از جمله «گورسل» در کتاب خود (مسائل خانواده) می نویسد: «هر گاه پل بجای آنکه تا پایان عمر مجرد بماند زن خوبی می گرفت، رهبران جهان مسیحیت که بعد از وی آمدند بدون شبهه روش ملایمتری نسبت با ازدواج نشان می دادند».

همین روش نادرست کشیشان کاتولیک سبب شد که در افکار حس حقارت بطور کلی نسبت بجنس زن پدید آمد، زن بعنوان مسئول پیدایش معصیت در جهان بشمار میرفت و بتدریج بمنزله اغواء کننده بفساد تلقی شد!

اگرچه پروتستانها که تعلیمات انجیل را راهنمای زندگی خود قرار دادند تغییرات عمیقی در افکار مربوط با ازدواج پدید آوردند ولی با وجود این، ارتباط جنسی راجز برای تولید مثل امری مکروه و جلوگیری از آن را یکی از هدفهای اساسی خود قرار دادند» (۱).